

**پیش‌بینی عملکرد جنسی بر اساس سبک‌های
دلبستگی، تمایز یافتگی خود و تحصیلات در
دانشجویان زن متأهل شهر اهواز**

شادی جزینی[✉]، نیره عبدالهی*، عباس امان‌الهی***

و خالد اصلانی***

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین سبک‌های دلبستگی، تمایز یافتگی خود و تحصیلات با عملکرد جنسی اجرا شد. روش پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری کلیه دانشجویان زن متأهل دانشگاه‌های شهر اهواز بودند. نمونه ۱۷۷ نفر از دانشجویان شهر اهواز بودند که به روش در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای استفاده شده، پرسشنامه شاخص عملکرد جنسی زنان، پرسشنامه شیوه‌های رفتاری و پرسشنامه تمایز یافتگی خود بودند. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی و تحلیل رگرسیون انجام شد. نتایج نشان داد که بین سبک دلبستگی ناایمن با عملکرد جنسی رابطه مثبت معنادار، بین سبک دلبستگی ایمن با عملکرد جنسی رابطه منفی معنادار، بین تمایز یافتگی خود با عملکرد جنسی رابطه منفی معنادار و هم‌چنین بین تحصیلات با عملکرد جنسی رابطه مثبت معنادار وجود داشت. نتایج تحلیل رگرسیون با استفاده از روش گام به گام نشان داد که متغیرهای پیش‌بین توانستند عملکرد جنسی را پیش‌بینی کنند. این نتایج نشان داد که سبک‌های دلبستگی، تمایز یافتگی خود و تحصیلات بر عملکرد جنسی نقش مؤثری داشت. این یافته‌ها از نیاز به تمرکز بر عوامل رابطه‌ای و روانی در تجربه زنان از رابطه جنسی حمایت کرد. لذا توجه به این متغیرها در برنامه‌های پیشگیری، آسیب‌شناسی و خدمات مشاوره‌ای و درمانی ضروری است.

کلید واژه‌ها: تحصیلات، تمایز یافتگی خود، سبک‌های دلبستگی، عملکرد جنسی

*کارشناس ارشد راهنمایی و مشاوره، دانشگاه شهید چمران اهواز Shadi.jazini@yahoo.com

**کارشناس ارشد راهنمایی و مشاوره، دانشگاه شهید چمران اهواز

***استادیار مشاوره خانواده، دانشگاه شهید چمران اهواز

****استادیار مشاوره خانواده، دانشگاه شهید چمران اهواز

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۸/۱۵

مقدمه

تمایلات جنسی در زندگی انسان جایگاه خاصی دارد و برای مردان و زنان با وجود عامل مهم پیری، باقی می‌ماند (اراس، اراس، ایکاگاسگلو، یوماسخلو^۱ و همکاران، ۲۰۱۳). حضور اختلالات جنسی در بین زنان باعث رضایت کلی پایین‌تر از زندگی می‌شود (مر، سویک، شیلدز، گرین^۲ و همکاران، ۲۰۱۴).

ناتوانی جنسی در زنان یک مشکل بهداشتی شایع است که به‌صورت عوامل پزشکی و روانی اجتماعی ظاهر می‌شود. زنان نسبت به مردان در اختلالات جنسی معمولاً توجه کمی دریافت کرده‌اند و مشکل آن‌ها بدون درمان باقی مانده است. چرخه جنسی زنان به چند عامل بستگی دارد از جمله: عوامل نوروزنیک، عوامل روانی و اجتماعی و... که ممکن است اختلال در هر یک از این عوامل به عملکرد جنسی^۳ پایین در زنان منجر شود. در هنگام ظهور عملکرد جنسی ممکن است برخی شرایط از جمله کاهش میل جنسی، تحریک، ارگاسم و/یا درد جنسی قابل مشاهده باشد (اراس و همکاران، ۲۰۱۳). بنابراین، عملکرد جنسی در زنان شامل شش بعد تمایل، رطوبت، برانگیختگی، ارگاسم، درد و رضایت است (اصلان و فینز^۴ به نقل از ناسیمنتو، مایا، ناردی و سیلوا^۵، ۲۰۱۵). که می‌تواند در نتیجه، پریشانی شخصی توجه‌برانگیزی را ایجاد کند. ناتوانی عملکرد جنسی به نوبه خود ممکن است باعث طلاق و از هم‌پاشی زندگی زناشویی شود. اگر چه این اختلال یک اختلال مهم است، اما درباره آن اطلاعات کمی وجود دارد (اراس و همکاران، ۲۰۱۳).

ناتوانی عملکرد جنسی در زنان کانون پژوهش‌های پزشکی است، اما مطالعات کمی علت شیوع و عوامل مرتبط با این فعالیت جنسی را در زنان توصیف کرده‌اند (ترامپتر، بتنکرت و بارتکنر^۶، ۲۰۱۲). پژوهشگران به اهمیت بررسی عوامل فردی در مشکلات عملکرد جنسی اشاره کرده‌اند که از جمله این عوامل می‌توان به سبک دلبستگی^۷ افراد اشاره کرد.

-
1. Aras, Aras, Icagasioglu & Yumusakhuylu
 2. Mor, Sevick, Shields & Green
 3. sexual function
 4. Aslan & Finez
 5. Nascimento, Maia, Nardi & Silva
 6. Trompeter, Bettencourt & Barrett-Connor
 7. attachment styles

روان‌شناسان رشد بیان می‌کنند که دلبستگی به پیوند عاطفی بین کودک و مراقبان او اشاره دارد؛ برخی محققان رشد معتقدند که دلبستگی کودک به مادر خود در سال‌های اولیه زندگی به صورت قوی‌تری را برای توسعه این رابطه در سال‌های بعد فراهم می‌کند به طور دقیق همه انسان‌ها به وسیله پیوند دلبستگی اصلی خود تحت تأثیر قرار می‌گیرند، اما اینکه این تأثیرات مثبت یا منفی و سالم یا بیماری‌زا باشد به کیفیت پیوند دلبستگی بستگی دارد (جنابادی و نظری، ۲۰۱۴). از نظر بالبی^۱ (۱۹۷۳) دو سبک دلبستگی اصلی وجود دارد که شامل: دلبستگی ایمن و نایمن است. افراد دارای سبک دلبستگی ایمن خود و دیگران را به صورت مثبت مشاهده می‌کنند و دارای دو مشخصه هستند که شامل یک حس درونی شده‌ای از خودارزشی و احساس راحتی در صمیمیت با روابط نزدیک (هازان و شیور^۲ به نقل از گیلیند، بلواستار، هانسن و کارپنتر^۳، ۲۰۱۵) و سبک دلبستگی نایمن به وسیله یک رویکرد ناسالم به روابط مشخص می‌شود که از مشکلات درون‌فردی ناشی شده است. افراد دارای این سبک در روابط، خودشان را به عنوان افرادی قابل اعتماد برداشت می‌کنند، درحالی که دیگران را در ارائه عشقی که خودشان به دنبال آن هستند، غیرقابل اعتماد می‌دانند. آن‌ها برای خود ارزش بالایی قائل هستند، اما نسبت به دیگران بدبین و منفی‌نگر هستند (گریفین و برتولما^۴ به نقل از گیلیند و همکاران، ۲۰۱۵). روان‌شناسان بیان می‌کنند که دلبستگی نایمن پیش‌بین خوبی برای مشکلات جنسی و نارضایتی جنسی است (بریس سارد، پلوکوئین، دوپوی، رایت و شاور^۵، ۲۰۱۲). از نظریه دلبستگی برای درک نتایج جنسی بزرگسالان و ارائه یک چارچوب مفید برای بررسی سازگاری جنسی در زوجین استفاده شده است. در واقع دلبستگی نایمن ممکن است به مشکلاتی در ابراز وجود جنسی منجر شود و تعاملات جنسی کم‌تر رضایت بخش را در زنان پیش‌بینی کند (لکلرک، برگرن، براسارد، بلانگر^۶ و همکاران، ۲۰۱۵). در واقع از لحاظ نظری سبک دلبستگی پیش‌بینی‌کننده رضایت زناشویی است (باتزر و کامپبل^۷، ۲۰۰۸) و

-
1. Balbi
 2. Hazan & Shiver
 3. Gilliland, Blue Star, Hans & Carpenter
 4. Griffin & Bartholomew
 5. Brassard, Péloquin, Dupuy, Wright & Shaver
 6. Leclerc, Bergeron, Brassard & Bélanger
 7. Butzer & Campbell

همچنین سبک دلبستگی را از مهم‌ترین عوامل در بروز رفتارهای مشکل‌دار می‌دانند (پیوسته‌گر، ۱۳۹۲). بنابراین، افراد دارای سبک دلبستگی ناایمن از عملکرد جنسی پایینی رنج می‌برند.

نتایج نشان داد افرادی که در شاخص دلبستگی ایمن در سطح بالایی قرار داشتند، خود را از لحاظ جسمی جذاب‌تر می‌کردند، لذا رابطه جنسی بهتری داشتند؛ اما افرادی که در دلبستگی ناایمن قرار داشتند، خود را از لحاظ فیزیکی غیر جذاب‌تر برداشت می‌کردند و اقدامات جنسی نامناسبی از خود بروز می‌دادند (بوگارت و سداوا، ۲۰۰۲).

تمایز یافتگی خود^۱ یکی دیگر از عوامل روانی مهمی است که در عملکرد جنسی نقش انکارناپذیری را بازی می‌کند. هدف از خودتمایزی تعادل بین احساس و شناخت است و خودتمایزی عاملی برای تعادل بین عقل و عاطفه است (امینی‌زاده، پورا‌براهیمی و خوش‌کنش، ۲۰۱۵). تمایز یافتگی تعادلی است که هر فرد بین دو نیروی با هم بودن و فردیت برقرار می‌کند و حاصل آن ایجاد توازن بین حفظ استقلال و تداوم ارتباط با افراد مهم زندگی است (حامدی و همکاران، ۱۳۹۱). هم‌چنین براساس پژوهش اسپرچر^۳ (۲۰۱۳). خودتمایزی به‌عنوان دو بعد جداگانه توصیف می‌شود، اما مربوط به خود است. بخش اول در درون فرد رخ می‌دهد و می‌توان آن را به‌عنوان نوعی بلوغ عاطفی در نظر گرفت که این بعد توانایی ایجاد تعادل بین فرآیندهای فکری و فرآیندهای عاطفی است، در شرایطی که به احتمال زیاد ممکن است فرآیندهای عاطفی موجب نادیده گرفتن فرآیندهای فکری شوند و جنبه دوم خود تمایز یافتگی که یک جنبه غیرشخصی است و نشان‌دهنده بلوغ رابطه‌ای است. این بعد بیان‌کننده توانایی تجربه و تعادل بین صمیمیت و استقلال در روابط اجتماعی است. بنابراین، این متغیر به‌عنوان هر سه بعد فکری، عاطفی و رابطه‌ای در نظر گرفته می‌شود (کیم و جانگ^۴، ۲۰۱۵). براساس پژوهش تیم و کلی^۵ (۲۰۱۲) تمایز یافتگی تأثیر مستقیم و جالب‌توجهی بر ارتباطات جنسی دارد.

تحصیلات یکی دیگر از عوامل دموگرافیک مهمی است که در عملکرد جنسی نقش مهمی

1. Bogaert & Sadava
2. self-differentiation
3. Sperecher
4. Kim & Jung
5. Timm & Keiley

دارد. فتحی و آزادیان (۱۳۹۶) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که رضایت از زندگی ارتباط معنادار و مستقیمی با سن ازدواج، سطح درآمد و سطح تحصیلات دارد. با توجه به این تحقیق و تحقیقات مشابه ما فکر می‌کنیم سطح تحصیلات می‌تواند پیش‌بین مهم و تأثیرگذاری برای ناتوانی عملکرد جنسی باشد.

این یافته‌ها از نیاز به تمرکز بر عوامل رابطه‌ای و روانی در تجربه زنان از رابطه جنسی حمایت می‌کنند. با توجه به مشکلاتی که زنان مبتلا به ناتوانی عملکرد جنسی با آن مواجه هستند و با توجه به مطالب بیان شده، این پژوهش دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال بود که آیا سبک‌های دلبستگی، تمایز یافتگی خود و تحصیلات توانایی پیش‌بینی عملکرد جنسی را دارند؟ و از آنجا که محققان و پژوهشگران ایرانی بسیار اندک به بررسی مشکلات و ناتوانی‌های جنسی افراد جامعه علی‌الخصوص زنان پرداخته‌اند، هدف اصلی ما کاوش و پیش‌بینی عواملی بود که قبلاً در جامعه‌های دیگر به‌عنوان عوامل پیش‌بین این مشکل پیش‌بینی شده بود. بنابراین، انگیزه اصلی این پژوهش رسیدن به این هدف بود که آیا همان عواملی که در فرهنگ‌های غربی زمینه‌ساز ناتوانی جنسی است در فرهنگ ایران نیز پیش‌بین این اختلال و مشکل است؟ و اینکه متغیر تحصیلات در هیچ‌یک از تحقیقات به آن پرداخته نشده است. همان گونه که قبلاً اشاره شد، هدف اصلی این پژوهش، دستیابی به فهم روشنی از چگونگی تأثیر سه عامل سبک‌های دلبستگی، تمایز یافتگی خود و تحصیلات بر عملکرد جنسی است. در زیر ابتدا فرضیه‌ها بیان و سپس بررسی می‌شود.

- سبک دلبستگی ناایمن با عملکرد جنسی رابطه مثبت معناداری دارد.
- سبک دلبستگی ایمن با عملکرد جنسی رابطه منفی معناداری دارد.
- تمایز یافتگی خود با عملکرد جنسی رابطه منفی معناداری دارد.
- تحصیلات با عملکرد جنسی رابطه منفی معناداری دارد.

روش

. پژوهش حاضر از نوع توصیفی- همبستگی است. در پژوهش حاضر، کلیه دانشجویان زن متأهل دانشگاه‌های شهر اهواز در سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۴ بود. ۱۷۷ نفر از دانشجویان از

بین دانشگاه‌های شهید چمران اهواز، علوم تحقیقات، آزاد اسلامی واحد اهواز و پیام‌نور با استفاده از روش در دسترس انتخاب شدند. سبک‌های دلبستگی، تمایزیافتگی خود و تحصیلات به‌عنوان متغیرهای پیش‌بین و عملکرد جنسی به‌عنوان متغیر ملاک انتخاب شدند. به‌منظور اطمینان از وجود رابطه خطی بین متغیرها از روش همبستگی گشتاوری پیرسون^۱ استفاده شد. برای بررسی میزان پیش‌بینی ناتوانی جنسی براساس سبک‌های دلبستگی، تمایزیافتگی خود و تحصیلات از روش تحلیل رگرسیون چندگانه^۲ با روش گام به گام استفاده شد. در این پژوهش از سه پرسشنامه استفاده شد.

پرسشنامه شاخص عملکرد جنسی زنان (FSFI)^۳: ابزار سنجش در پژوهش حاضر عبارتند از: شاخص بین‌المللی عملکرد جنسی زنان (روزن^۴ و همکاران، ۲۰۰۰؛ به نقل از امان‌الهی و زارع، ۱۳۹۳). این شاخص دارای ۱۹ گزینه است و عملکرد جنسی زنان را در ۶ بعد (میل^۵، برانگیختگی^۶، رطوبت^۷، ارگاسم^۸، رضایتمندی^۹ و درد جنسی^{۱۰}) ارزیابی و اندازه‌گیری می‌کند. مقیاس از حساسیتی بالا برای تمیز پاسخ‌های ناتوان جنسی و پاسخ‌های مناسب جنسی در زنان دارد. افرادی که نمره ۲۶ یا بالاتر کسب کنند، دارای نشانه‌های عملکرد جنسی پایینی یا ناتوانی جنسی تشخیص داده می‌شوند. پایایی آزمون بازآزمون (۰/۷۹) با فاصله ۴ هفته همبستگی معنادار و رضایت‌بخش بوده است (محمدی، حیدری و فقیه‌زاده، ۱۳۸۷)، همچنین پایایی در پژوهش حاضر ۰/۸۸ محاسبه شد.

پرسشنامه شیوه‌های رفتاری^{۱۱} (BSQ): این پرسشنامه را فارمن و وهنر^{۱۲} (به نقل از امان‌الهی، اصلانی، تشکر، غوابش و نکوئی، ۱۳۹۱) تدوین کرده‌اند. پرسشنامه شیوه‌های رفتاری

1. Pearson
2. multiple regression
3. Female Sexual Function Index
4. Rosen, Brown, Heiman, Leiblum, Meston & Ferguson
5. desire
6. arousal
7. moisture
8. orgasm
9. satisfaction
10. sexual pain
11. Behavioral Systems Questionnaire
12. Furman & Wehner

یک ابزار ۲۲ سؤالی است که میزان موافقت شرکت‌کننده‌ها با مجموعه‌هایی از حالت‌ها را نشان می‌دهد دربارهٔ اینکه افراد ممکن است چه سبک دلبستگی در روابط عاشقانهٔ خود به‌کار گیرند. این پرسشنامه دارای سه خرده‌مقیاس دلبستگی ایمن، دلبستگی پریشان و خرده‌مقیاس دلبستگی گسسته است که بر اساس طیف ۷ درجه‌ای لیکرت تنظیم شده است. فارمن، سیمون، شافر و پوچی^۱ (۲۰۰۲)، آلفای کرونباخ هر سه سبک دلبستگی را بطور جداگانه ۰/۸۵ گزارش دادند. برای به‌دست آوردن روایی این پرسشنامه در چندین مطالعه، نمرات سبک‌های دلبستگی عاشقانه با بالایی از اطمینان خاطر با چندین مقیاس سنجیده شده‌اند، از جمله مقیاس‌های هازان و شیور، مقیاس دلبستگی بزرگسالان کالینز و رید^۲ (۱۹۹۹) و در مطالعهٔ برنان، کلارک و شاور^۳ (۱۹۹۸)، با مقیاس رابطهٔ نزدیک، رابطهٔ معناداری داشتند، که ضریب همبستگی این مقیاس با مقیاس دلبستگی کالینز و رید (۱۹۹۹) ۰/۵۱ محاسبه شد. در پژوهش امان‌الهی و همکاران (۱۳۹۱)، ضریب آلفای کرونباخ برای سبک دلبستگی ایمن، دلبستگی پریشان و دلبستگی گسسته به ترتیب ۰/۶۴، ۰/۵۴ و ۰/۷۸ به‌دست آمد. همچنین پایایی در پژوهش حاضر برای سبک دلبستگی ایمن، دلبستگی پریشان و دلبستگی گسسته به ترتیب ۰/۷۰، ۰/۷۲ و ۰/۷۴ محاسبه شد.

پرسشنامهٔ تمایز یافتگی خود^۴ (DSI): این پرسشنامه را نخستین بار در سال ۱۹۹۸ اسکورن و فریدلندر با ۴۳ سؤال طراحی و اجرا کردند (اسکورن و اسمیت^۵، ۲۰۰۳) و شامل ۴ خرده‌مقیاس است. ۱- واکنش‌پذیری عاطفی^۶، بازتاب‌دهندهٔ درجه‌ای است که فرد به محرک محیطی با حساسیت بیش از حد یا با تغییرپذیری عاطفی پاسخ می‌دهد؛ ۲- خرده‌مقیاس جایگاه من^۷ که در کنار تعریف واضح حس خود، میزان وفاداری به عقاید شخصی را در زمانی مشخص می‌کند که فرد مجبور به انجام خلاف عقاید خود است. ۳- خرده‌مقیاس گریز عاطفی^۸

-
1. Furman, Simon, Shaffer & Bouchey
 2. Collins & Read
 3. Brennan & Shaver
 4. Differentiation of Self Inventory
 5. Skowron & Schmitt
 6. Emotional Reactivity
 7. I Position
 8. Emotional Cut Off

نشان‌دهنده احساس ترس از صمیمیت و احساس آسیب‌پذیری بیش از حد در ارتباط با دیگران است. آیتم‌های مرتبط با این خرده‌مقیاس نشان‌دهنده ترس از روابط صمیمانه، رفتارهای دفاعی است. سرانجام ۴-هم‌آمیختگی با دیگران^۱، نشان‌دهنده درگیری در روابط بیش از حد عاطفی با دیگران است. برای محاسبه نمره‌گذاری کلی این پرسشنامه نمرات آیتم‌های هر یک از خرده‌مقیاس‌ها با هم جمع می‌شوند. اسکورن و فریدلندر^۲ (۱۹۹۸)، همسانی درونی برای کل مقیاس تمایز یافتگی خود ۰/۸۸ گزارش دادند. یونسی (۱۳۸۵)، برای بررسی ساختار عاملی پرسشنامه از روش تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد و برای کسب اطمینان نسبت به کفایت نمونه‌برداری و صفر نبودن ماتریس همبستگی داده‌ها، آزمون kmo محاسبه شد که ۰/۸۴۴ به دست آمد؛ آزمون بارتلت نیز معنادار بود. بعد از اجرای تحلیل عاملی، ۱۴ عامل به دست آمد که بعد از ۷ بار چرخش ۴ عامل به دست آمد که ۳۱/۳۱ درصد از واریانس را تبیین کرد. یونسی (۱۳۸۵) روایی محتوایی این آزمون را به روش همسانی درونی ۰/۸۵ گزارش کرد. همچنین پایایی در پژوهش حاضر ۰/۷۴ برای نمره کل محاسبه شد.

یافته‌ها

برای هر یک از متغیرهای اصلی پژوهش شاخص‌های میانگین، انحراف معیار در کل گروه در جدول ۱ گزارش شده است. هم‌چنین برای بررسی نرمال بودن توزیع داده‌های هر یک از متغیرهای مزبور در این پژوهش از روش کولموگروف اسمیرنوف استفاده شد که نتایج آن در جدول ۱ نمایش داده شده است. همان‌گونه که در جدول پایین مشاهده می‌شود، آزمون کولموگروف اسمیرنوف برای نمره عملکرد جنسی، سبک دلبستگی، تمایز یافتگی خود و تحصیلات معنادار نیست. بنابراین، متغیرها توزیع نرمالی دارند و می‌توان از تحلیل‌های پارامتریک برای آن‌ها استفاده کرد.

-
1. Fusion with others
 2. skowron & friedlander

جدول ۱: میانگین، انحراف معیار و آزمون کولموگروف اسمیرنوف متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	Z کولموگروف اسمیرنوف	سطح معناداری
عملکرد جنسی	۱۱/۵۵	۲۳/۴۸	۱/۰۵۶	۰/۲۱۵
سبک دل‌بستگی	۱۰/۸۸	۴۰/۷۵	۱/۱۱۳	۰/۱۶۸
تمایز یافتگی خود	۱۹/۷۴	۱۶۱/۱۹	۱/۲۰۷	۰/۱۰۸
تحصیلات	۲/۳۶	۰/۷۴	۳/۹۸۶	۰/۱۲۲

هم‌چنین ضریب هم‌بستگی پیرسون مرتبه صفر دو به دو متغیرهای پژوهش نیز در جدول ۲ گزارش شده است. فرضیه‌های معطوف به روابط ساده بین متغیرها بر اساس این ضرایب هم‌بستگی بررسی شد. بین عامل سبک‌های دل‌بستگی، تمایز یافتگی خود، تحصیلات و عملکرد جنسی رابطه وجود دارد. هم‌بستگی‌های بین عملکرد جنسی با دل‌بستگی ناایمن ($p \leq 0/01$)، دل‌بستگی ایمن ($r = 0/39, p \leq 0/01$)، تمایز یافتگی خود ($r = -0/27, p \leq 0/01$) و تحصیلات ($r = -0/35, p \leq 0/01$) از نظر آماری معنادار بودند. جدول ۲ گویای خوبی بر معناداری هم‌بستگی بین متغیرها است.

جدول ۲: ماتریس هم‌بستگی متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳	۴
عملکرد جنسی	۱	-	-	-
دل‌بستگی ناایمن	-0/39**	۱	-	-
دل‌بستگی ایمن	0/35**	-0/30**	۱	-
تمایز یافتگی خود	-0/27**	-0/24**	0/19*	۱
تحصیلات	-0/35**	-0/19**	+0/16*	0/11

** $p \leq 0/01$ * $p \leq 0/05$

نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام عملکرد جنسی برحسب سبک‌های دل‌بستگی، تمایز یافتگی خود و تحصیلات در جدول ۳ ارائه شده است. چنانکه در جدول ۳ ملاحظه می‌شود، تحلیل رگرسیون به روش گام به گام برای ترکیب خطی متغیرهای تمایز یافتگی خود، دل‌بستگی ایمن، دل‌بستگی ناایمن و تحصیلات با عملکرد جنسی 0/48 است. ضریب تعیین برابر با 0/23 و نسبت F چندگانه برابر با 17/56 که در سطح کم‌تر از 0/01 معنادار است. جدول ۳

نشان می‌دهد که در عملکرد جنسی، سبک دلبستگی نایمن، سبک دلبستگی ایمن، تمایزیافتگی خود و تحصیلات وارد معادله رگرسیون شده است و هیچ کدام از معادله رگرسیون حذف نشده‌اند. ۱۵ درصد از واریانس مشاهده شده در عملکرد جنسی از طریق سبک دلبستگی نایمن توجیه شده، اضافه شدن مدل دوم (سبک دلبستگی ایمن) باعث افزوده شدن ۶ درصد به واریانس قبلی می‌شود، اضافه شدن مدل سوم (تمایزیافتگی خود) باعث افزوده شدن ۲ درصد به واریانس قبلی و در نهایت اضافه شدن مدل چهارم (تحصیلات) باعث افزوده شدن ۶ درصد به واریانس قبلی می‌شود. بدین ترتیب چهار مدل روی هم رفته ۲۹ درصد از عملکرد جنسی را تبیین می‌کنند. با توجه به مقدار F و سطح معناداری P فرضیه صفر رد شده و در سطح معناداری ۰/۰۰۱ درصد این نتیجه حاصل می‌شود که بین متغیرهای عملکرد جنسی و سبک‌های دلبستگی و تمایزیافتگی و تحصیلات رابطه وجود دارد.

جدول ۳: نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام عملکرد جنسی برحسب سبک‌های دلبستگی، تمایزیافتگی خود و تحصیلات

متغیر ملاک	متغیر پیش بین	منابع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	مجدور میانگین	F	ضریب تعیین	مجدور همبستگی چندگانه	سطح معناداری
عملکرد جنسی	دلبستگی نایمن	رگرسیون باقیمانده	۳۵۸۴/۶۰	۱	۳۵۸۴/۶۰	۳۱/۴۷	۰/۱۵	۰/۳۹	۰/۰۰۱
	دلبستگی ایمن	رگرسیون باقیمانده	۱۹۹۳۳/۲۱	۱۷۵	۱۱۳/۹۰	۲۴۸۲/۰۹	۰/۲۱	۰/۴۵	۰/۰۰۱
تمایزیافتگی خود	تمایزیافتگی خود	رگرسیون باقیمانده	۱۸۵۵۳/۶۳	۱۷۴	۱۰۶/۶۳	۲۳/۲۷	۰/۲۳	۰/۴۸	۰/۰۰۱
	تحصیلات	رگرسیون باقیمانده	۵۴۹۰/۴۳	۳	۱۸۳۰/۱۴	۱۷/۵۶	۰/۲۳	۰/۴۸	۰/۰۰۱
			۱۸۰۲۷/۳۹	۱۷۳	۱۰۴/۲۰	۱۷۳۸/۴۳	۰/۲۹	۰/۵۴	۰/۰۰۱
			۶۹۵۳/۷۴	۴	۹۶/۳۰	۱۸/۰۵	۰/۲۹	۰/۵۴	۰/۰۰۱
		باقیمانده	۱۶۵۶۴/۰۸	۱۷۲					

با توجه به جدول ۴ و با استفاده از ضرایب غیراستاندارد رگرسیون و نمره‌های سبک‌های دلبستگی، تمایزیافتگی خود و تحصیلات می‌توان معادله رگرسیون برای پیش بینی عملکرد جنسی فراهم ساخت. در زیر معادله مربوط به پیش‌بینی عملکرد جنسی ارائه شده است.

(تحصیلات ۹۸/۳-) + (تمایزیافتگی خود ۰/۹۱-) + (دلبستگی ایمن ۰/۴۲-) + (دلبستگی

$$Y = (۰/۳۰) + (مقدار ثابت ۴۶/۵۱)$$

براساس جدول ۴ دلبستگی نایمن در عملکرد جنسی نقش اصلی را دارد، زیرا اگر عملکرد

جنسی به اندازه یک واحد افزایش یابد، این تغییر به اندازه ۰/۳۹ عملکرد جنسی را افزایش می‌دهد. هم‌چنین یک واحد تغییر در دلبستگی ایمن، تمایز یافتگی خود و تحصیلات به ترتیب به اندازه ۰/۲۵ و ۰/۱۵ و ۰/۲۵ عملکرد جنسی را افزایش می‌دهد. مثبت و منفی بودن ضرایب بتا نیز گویای رابطه مستقیم و معکوس متغیرهای پیش‌بین و ملاک است.

جدول ۴: ضرایب رگرسیون متغیر پیش‌بینی کننده در تحلیل رگرسیون عملکرد جنسی در گام چهارم

متغیر ملاک	متغیر پیش‌بین	B	خطای معیار	بتا	تی استودنت	سطح معناداری
	مقدار ثابت	۴۶/۵۱	۸/۳۰		۵/۶۰	۰/۰۰۱
	دلبستگی نایمن	۰/۳۰	۰/۰۵	۰/۳۹۰	۵/۶۱	۰/۰۰۱
عملکرد جنسی	دلبستگی ایمن	-۰/۴۲	۰/۱۱	-۰/۲۵۴	-۳/۵۹	۰/۰۰۱
	تمایز یافتگی خود	-۰/۹۱	۰/۰۴	-۰/۱۵۵	-۲/۲۴	۰/۰۲۶
	تحصیلات	-۳/۹۸	۱/۰۲	-۰/۲۵۶	-۳/۸۹	۰/۰۰۱

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج یافته‌ها نشان داد که سبک دلبستگی نایمن با عملکرد جنسی رابطه مثبت معناداری دارد. یافته‌های این پژوهش با نتایج پژوهش بریس سارد و همکاران (۲۰۱۵)، لکلرک و همکاران (۲۰۱۵)، باتزر و همکاران (۲۰۰۸) و بوگارت و همکاران (۲۰۰۲) همسو است. در تبیین این یافته، نتایج نشان دادند که افراد نایمن روابط متزلزلی با دیگران برقرار می‌کنند، آن‌ها گاه یا به طرف مقابل خود می‌چسبند و گاه از آن‌ها به صورت افراطی دوری می‌گزینند، این رفتار متفاوت آن‌ها هزینه سنگینی را در روابط برای آن‌ها متحمل می‌شود. زیرا هر رفتاری از آن‌ها سرزند ناشی از بی‌منطقی است. بنابراین، آن‌ها دیر یا زود رابطه خود را از دست خواهند دادند که این گویای خوبی از ازدیاد طلاق‌های عاطفی است؛ چنین افرادی از روابط جنسی خود با شریک زندگی‌شان احساس ناراحتی می‌کنند و این روابط را بدون پاداش و ناراحت‌کننده می‌دانند. این افراد درباره رابطه جنسی و صمیمیت و نزدیکی در روابط احساس بدی دارند. آن‌ها دائم در دامنه‌ای از ترس و اضطراب زندگی می‌کنند. به همین دلیل کشش آن‌ها برای روابط نزدیک لحظه‌ای است. هم‌چنین سبک دلبستگی ایمن با عملکرد جنسی رابطه منفی معناداری دارد. یافته‌های این پژوهش با نتایج پژوهش اسپرچر (۲۰۱۳) همسو است؛ افراد ایمن

افرادی رضایت‌مند، باثبات، قابل اعتماد و متعهد هستند، آن‌ها به راحتی و بدون هیچ استرس، ترس و نگرانی با دیگران رابطه برقرار می‌کنند و درمقابل همه سعی و تلاش خود را برای جلب اعتماد و رضایت دیگران و طرف مقابل خود به کار می‌گیرند. افراد ایمن زبان عشق طرف مقابل خود را بلد هستند و با جلب محبت طرف مقابل خود به نحوی که او می‌پسندد، زمینه را برای داشتن و وارد شدن به دنیای جنسی او هموار می‌کنند. افراد ایمن به دلیل داشت ابراز جنسی مناسب، عملکرد جنسی خوبی دارند و در اسرع وقت مشکلات یا ناراضی‌های جنسی خود را برطرف کرده و مانع از تبدیل شدن آن به بدکارکردی جنسی می‌شوند. از طرف دیگر تمایز یافتگی خود با عملکرد جنسی رابطه منفی معناداری دارد. یافته‌های این پژوهش با نتایج پژوهش بری و همکاران (۲۰۱۴) همسو است. افرادی که از سطح تمایز یافتگی پایینی برخوردارند، یک ویژگی منفی به نام ترس از دست دادن خود و خویشتن در آن‌ها شکل می‌گیرد. بنابراین، در روابطی که با دیگران برقرار می‌کنند، دچار یک ترس مزمن برای نابودی یا سقوط خویش در یک رابطه نزدیک یا عاشقانه هستند و همین زمینه را برای رفتارهای متناقض آن‌ها فراهم می‌کند. این عدم توانایی در جدا کردن راه‌های عاطفی و منطقی پاسخ در روابط و عدم توانایی برای حفظ یک حس از خویشتن در حضور دیگران قوی‌ترین پیش‌بین از مشکلات جنسی در زنان است. افراد دارای تمایز پایین معمولاً در طول مقاربت نگران از دست دادن «حس خود» هستند. بنابراین، دچار عملکرد جنسی پایینی می‌شوند. این افراد در هنگام نزدیکی فیزیکی با دیگران ترس از دست دادن خود را دارند. همچنین تحصیلات با عملکرد جنسی رابطه منفی معناداری دارد. یافته‌های این پژوهش با نتایج پژوهش فتحی و همکاران (۱۳۹۶) همسو است. زنانی که سطح تحصیلات بالایی دارند، رضایت از زندگی بالاتر و شادکامی بیشتری دارند. بنابراین، به طور واضح می‌توان گفت عواملی که در جوامع غربی پیش‌بین و زمینه‌ساز ناتوانی جنسی در افراد هستند، در جامعه ما نیز محرک‌ها و پیش‌بین‌های خوبی برای ایجاد و هموار کردن این مشکل هستند. از محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به این موارد اشاره کرد که برخی متغیرهای مداخله‌گر مانند وضعیت اجتماعی-اقتصادی، نوع فرهنگ و... در کنترل پژوهشگر نبود. تعداد زیاد پرسش‌های پرسشنامه به طولانی شدن زمان پاسخگویی به آن منتهی شد که بر مقدار دقت پاسخ‌های شرکت‌کنندگان بی‌تأثیر نبوده است. از جمله پیشنهادهاى برخاسته از این پژوهش این است که پژوهش‌های مشابه و بررسی پیش‌بین‌های دیگر در

پیش‌بینی عملکرد جنسی براساس سبک‌های دلبستگی ۵۵

عملکرد جنسی در جامعه‌های دیگر مانند مردان و زنان غیردانشجو انجام شود. و کارگاه‌های آموزشی مناسب دربارهٔ چگونگی حل مشکلات جنسی برای زوجین، تدارک دیده شود تا آنها با از میان برداشتن مشکلات به زندگی مشترک خود پایبندتر شوند.

تشکر و قدردانی

در پایان از شرکت‌کنندگان در پژوهش تقدیر و تشکر می‌کنیم.

منابع

- امان‌الهی، عباس، اصلانی، خالد، تشکر، هاجر، غوابش، سعاد و نکوئی، سمیه (۱۳۹۱). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی عاشقانه و عشق با رضایت زناشویی، *مجله مطالعات زنان*، ۱۰(۳): ۶۷-۸۶.
- پیوسته‌گر، مهرانگیز (۱۳۹۲). شیوع رفتار خودآسیبی عمدی و رابطه‌ی آن با احساس تنهایی و سبک دلبستگی در دانش‌آموزان دختر، *مطالعات روان‌شناختی*، ۹(۳): ۲۹-۵۲.
- حامدی، رباب، خسروی، زهره، پیوسته‌گر، مهرانگیز، درویزه، زهرا، خدابخش، روشنک و صرامی، غلامرضا (۱۳۹۱). بررسی تمایز یافتگی خود و کیفیت رابطه با غیر هم‌جنس در دانشجویان مجرد، *مطالعات روان‌شناختی*، ۸(۴): ۵۷-۷۱.
- فتحی، سروش و عذرا، آزادیان (۱۳۹۶). بررسی تأثیر عوامل دموگرافیک در رضایتمندی از زندگی زناشویی زوجین ۳۵-۳۵ سال شهر تهران، *مطالعات راهبردی زنان*، ۱۹(۷۵): ۱۱۲-۱۳۵.
- محمدی، خدیجه، حیدری، معصومه و فقیه‌زاده، سقراط (۱۳۸۷). اعتبار نسخه فارسی مقیاس female sexual function index- definitely به عنوان شاخص عملکرد جنسی زنان، *مجله پایش*، ۳(۲۷): ۲۶۹-۲۷۸.
- یونسی، فاطمه (۱۳۸۵). *هنجاریابی آزمون خود‌تمایزسازی در ایران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی تهران.
- Aras, H., Aras, B., Icagasioglu, A., Yumusakhuyly, Y., Kemahli, E., Haliloglu, S. & Oguz, F. M. (2013). Sexual dysfunction in women with rheumatoid arthritis. *Journal of Medicinski Glasnik*, 10(2): 327-31.
- Amanelahi, A., Aslani, Kh., Tashakor, H., GHavabesh, S. & Nekoyi, S. (2012). Investigating the relationship between romantic attachment styles and love with marital satisfaction. *Journal of Women Studies*, 3(32): 67-86(Text in Persian).
- Amanelahi, A. & Zare, M. (2014). *The relationship between gender schemas and automatic thoughts and sexual function*. Unpublished manuscript(Text in Persian).
- Amini Zadeh, M., PourEbrahim, T. & Khoshkonesh, A. (2015). Comparison between Religiosity and self-differentiation in Girls with or without Relationship. *journal of Bulletin of Environment, Pharmacology and Life*

- Sciences*, 4(2): 117-122.
- Bogaert, A. F. & Sadava, S. (2002). Adult attachment and sexual behavior. *Journal of Personal Relationships*, 9(2):191-204.
- Brassard, A., Péloquin, K., Dupuy, E., Wright, J. & Shaver, P. R. (2012). Romantic attachment insecurity predicts sexual dissatisfaction in couples seeking marital therapy. *Journal of, Sex & marital therapy*, 38(3): 245-262.
- Burri, A., Schweitzer, R. & O'Brien, J. (2014). Correlates of female sexual functioning: Adult attachment and differentiation of self. *The Journal of Sexual medicine*, 11(9): 2188-2195.
- Butzer, B., & Campbell, L. (2008). Adult attachment, sexual satisfaction, and relationship satisfaction: A study of married couples. *Journal of Personal relationships*, 15(1): 141-154.
- Fathi, S., & Azadian, O. (2017). The effect of demographic factors on marital satisfaction of 35-35 year-old couples in Tehran. *Journal of Women's Strategic Studies*, 19(75): 112-135(Text in Persian).
- Gilliland, R., Blue Star, J., Hansen, B. & Carpenter, B. (2015). Relationship attachment styles in a sample of hypersexual patients. *Journal of, Sex & marital therapy*, 41(6): 581-592.
- Hamed, R., KHosravi, Z., Peyvastegar, M., Darvize, Z., KHodabakhsh, R., & Sarami, GH. (2012). Study of their differentiation and the quality of the relationship with non-homosexuals in single students. *Journal of Psychological studies*, 8(4): 57-71(Text in Persian).
- Jenaabadi, H., & Nazari, A. (2014). The Relationship between attachment styles and parenting styles of elementary students' mothers. *Journal of Psychological Studies*, 3(9): 472-486.
- Kim, H. S. & Jung, Y. M. (2015). Self-differentiation, family functioning, life satisfaction and attitudes towards marriage among south Korean university students. *Indian Journal of Science and Technology*, 8(19): 706-728.
- Leclerc, B., Bergeron, S., Brassard, A., Bélanger, C., Steben, M., & Lambert, B. (2015). Attachment, sexual assertiveness, and sexual outcomes in women with provoked vestibulodynia and their partners: A mediation model. *Archives of Sexual behavior*, 44(6): 1561-1572.
- Mor, M. K., Sevic, M. A., Shields, A. M., Green, J. A., Palevsky, P. M., Arnold, R. M., & Weisbord, S. D. (2014). Sexual function, activity, and satisfaction among women receiving maintenance hemodialysis. *Clinical Journal of the American Society of Nephrology*, 9(1):128-134.
- Mohammadi KH, Heidari M. & Faghihzadeh S.(2008). The female sexual function index (fsfi): validation of the iranian version, *payesh*; 3(27): 269-278. (Persian)
- Nascimento, E. R., Maia, A. C. O., Nardi, A. E. & Silva, A. C. (2015). Sexual dysfunction in arterial hypertension women: The role of depression and anxiety.

- Journal of Affective disorders*, 181(3): 96-100.
- Peyvastegar, M. (2013). The prevalence of intentional self-harm and its relationship with loneliness and attachment style in female students. *Journal of Psychological studies*, 9(3): 29-52(Text in Persian).
- Rosen, R. C., Brown, C., Heiman, J., Leiblum, S., Meston, C., Shabsig, R. & ferguson, D. (2000). The female sexual function index (FSFI): Amultidimensional self-report instrument for the assessment of female sexual function. *Journal of Sex and Marital Therapy*, 26(2): 191-208.
- Skowron, E. A. & Friedlander, M. L. (1998). The Differentiation of Self Inventory: Development and initial validation. *Journal of Counseling psychology*, 45(3): 235-249.
- Skowron, E. A. & Schmitt, T. A. (2003). Assessing interpersonal fusion: Reliability and validity of a new DSI fusion with others subscale. *Journal of Marital and Family Therapy*, 29(2): 209-222.
- Sprecher, S. (2013). Attachment style and sexual permissiveness: The moderating role of gender. *Journal of Personality and individual differences*, 55(4): 428-432.
- Timm, T. M. & Keiley, M. K. (2011). The effects of differentiation of self, adult attachment, and sexual communication on sexual and marital satisfaction: A path analysis. *Journal of Sex & Marital Therapy*, 37(3): 206-223.
- Trompeter, S. E., Bettencourt, R. & Barrett-Connor, E. (2012). Sexual activity and satisfaction in healthy community-dwelling older women. *The American journal of Medicine*, 125(1): 37-43.
- Yonesi, F. (2006). *Standardization of self-evaluation test in Iran*. Master's thesis, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran(Text in Persian).

**Predicting the Sexual Function based on
Attachment Styles, Self-Differentiation and
Education among Married Female Students in
Ahwaz**

Shadi Jazini*, Nayereh Abdollahi**, Abas Amanelahi*** &

Khaled Aaslani****

Abstract

The present study aimed to investigate the relationship between attachment styles, self-differentiation, education and sexual function. The research method was descriptive-correlation. The statistical population consisted of all married female students in universities of Ahwaz. Through convenient sampling, 177 students of Ahwaz universities were selected. The instruments used in this study were women's sexual function index Questionnaire, behavioral methods Questionnaire and self-differentiation Questionnaire. The data analysis were performed using correlation coefficient and regression analysis. Results showed a significant positive relationship between unsafe attachment style and sexual function, a significant negative relationship between safe attachment style and sexual function, a significant negative relationship between self-differentiation and sexual function and also a significant positive relationship between education and sexual function. Regression analysis results, using a step-by-step method, showed that predictive variables can predict the

MA in Counseling, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran*

MA in Counseling, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran**

Assistant Professor of Family Counseling, Shahid Chamran University of Ahvaz,***
Ahvaz, Iran

Assistant Professor of Family Counseling, Shahid Chamran University of Ahvaz,****
Ahvaz, Iran

received: 2016-11-5

accepted :2018-02-17

DOI: 10.22051/psy.2018.12528.1280

Abstracts

sexual function. These results indicated that attachment styles, self-differentiation and education have significant effects on sexual function. These findings confirmed the need to concentrate on relational and psychological factors in women's experience of sex. Thus, attention to these variables in prevention, pathology, counseling, and treatment programs is necessary.

Key words: Attachment styles, education, self-differentiation, sexual function.